

بررسی ارتباط میان قابلیت‌های مذهبی و ماندگاری جمعیت در روستاهای محروم خراسان رضوی

مصطفی امیر فخریان*^۱، علیرضا معینی^۲

^۱ عضو هیأت علمی جهاد دانشگاهی واحد مشهد، پژوهشکده گردشگری و دانشجوی دکتری برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه فردوسی مشهد، ^۲ کارشناس ارشد برنامه‌ریزی روستایی، پژوهشگر جهاد دانشگاهی واحد مشهد
تاریخ دریافت: ۹۳/۱/۲۳؛ تاریخ پذیرش: ۱۳۹۳/۴/۲۸

چکیده

مذهب از گذشته‌های دور نقش عمده‌ای در استقرار و رونق سکونت‌گاه‌های انسانی داشته است. عمدتاً دو نقش کلیدی در این باره را می‌توان ابتدا ناشی از افزایش حس وابستگی فرد به مکان و تعلق خاطر درونی او به نیرویی فرامادی و سپس ناشی از مزیت‌های اقتصادی که در نتیجه حضور زائران از دیگر نقاط و احتیاج آن‌ها به کالا و خدمات است، برشمرد. می‌توان گفت رونق گردشگری مذهبی و زیارت نیز بر پایه‌ی همین موضوع است. بر اساس آمار مرکز آمار ایران، در حال حاضر در ۳۹۰ نقطه‌ی روستایی استان، بقعه‌ی امام‌زاده وجود دارد که شامل ۱۰/۸ درصد از نقاط روستایی می‌شود. با توجه به این‌که جمعیت روستایی استان در سال‌های اخیر همواره با کاهش جمعیت روبه‌رو بوده است و این مسأله در نواحی محروم استان شدت بیشتری دارد، از این‌رو این مطالعه به بررسی تغییرات جمعیتی روستاهای دارای امام‌زاده و بدون امام‌زاده در نواحی محروم استان با هدف دستیابی به رهیافت توسعه‌ی محلی روستایی با تکیه بر این نقاط است. بر این اساس در این مطالعه ضمن استفاده از سیستم اطلاعات جغرافیایی و تشکیل پایگاه اطلاعات مکانی از تمامی روستاهای استان، بر اساس مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره‌ی فضایی و با توجه به شاخص‌های ویژگی‌های موقعیتی و میزان بهره‌مندی نقاط روستایی از خدمات، اقدام به شناسایی نقاط محروم استان گردید. در این مرحله، ۵۴ نقطه‌ی روستایی دارای امام‌زاده شناسایی شد. در ادامه با استفاده از روش‌های مقایسه‌ای نظیر آزمون t با دو نمونه‌ی مستقل و آزمون کای اسکوئر پیرسون و ضریب همبستگی وی کرامر، تفاوت‌های جمعیتی بین این روستاها با روستاهای بدون امام‌زاده بررسی شد. نتایج این تحلیل نشان داد که تفاوت معناداری

بین میانگین جمعیت روستاهای دارای امامزاده و بدون آن وجود دارد. همچنین ارتباط معناداری بین اندازه‌ی جمعیتی سکونت‌گاه روستایی با وجود یا نبود امامزاده می‌توان دید که مبین نقش مهم این روستاها در تثبیت جمعیت روستایی در نواحی محروم استان است.

واژگان کلیدی: استان خراسان رضوی، بقاع امامزادگان، گردشگری مذهبی، نواحی محروم روستایی.

مقدمه

بیان مسأله

در ایران و با رواج اسلام و گسترش تشیع، این سرزمین مأمن بسیاری از فرزندان آل طه شد. علاقه‌ی ایرانیان به آن‌ها تنها منحصر به زمان حیاتشان نبود، بلکه پس از آن نیز مقابر آن‌ها به محلی برای زیارت مشتاقان تبدیل شد که یکی از جنبه‌های مهم گذران اوقات فراغت در زندگی مردم به حساب می‌آید (منصوری، ۱۳۸۳: ۶۳). بنا بر اطلاعات تفصیلی آمارنامه‌ی اماکن مذهبی، در کشور ۹۴۸۷ زیارتگاه موجود است که از این تعداد ۷۹۳۳ زیارتگاه در مناطق روستایی قرار دارد (محمدی و همکاران، ۱۳۸۷: ۳۶). برخی از اماکن متبرکه در نواحی روستایی اهمیت ملی دارند و گردشگران را از سراسر کشور به خود جذب می‌کنند. اما برخی دیگر از این مکان‌ها در سطح منطقه‌ای و محلی، گردشگران و زوار را از شهرها و روستاهای نزدیک و به‌ویژه در آخر هفته‌ها و ایام خاص جذب می‌کنند (رضوانی، ۱۳۸۷: ۳۱۶). در بسیاری از مناطق روستایی وجود این امامزاده‌ها نقش مهمی در زندگی اقتصادی روستاها ایفا می‌کند (زرگر، ۱۳۷۸: ۱۱۷).

استان خراسان رضوی به دلیل سابقه‌ی تاریخی و فرهنگی و حضور بارگاه منور امام هشتم علیه‌السلام در طول تاریخ، مأمن و پناهگاه مناسبی برای خاندان پیامبر اکرم صلی‌الله‌علیه‌وآله‌وسلم بوده است. بر اساس اطلاعات مرکز آمار ایران در ۳۹۰ نقطه روستایی استان، بقاع متبرکه وجود دارد که شامل ۱۰/۸ درصد از نقاط روستایی استان می‌شود. بسیاری از این روستاها در مناطق محروم، سال‌های سال به حیات خود ادامه داده‌اند. با این حال ضرورت بررسی نقش چنین روستاهایی در سامان‌دهی و نگهداشت جمعیت، از جمله موضوعاتی است که محقق به دنبال پاسخ‌گویی به آن است. به عبارتی آیا تفاوتی بین جمعیت‌پذیری این روستاها با سایر روستاهای استان وجود دارد؟

اهمیت این مطالعه از آنجاست که در سالیان اخیر جمعیت روستایی استان خراسان رضوی، روند کاهشی داشته است که این مسأله به‌ویژه در نواحی محروم استان روند شدیدتری دارد. اثرات این موضوع، مهاجرت از نقاط روستایی به نقاط دیگر به‌ویژه نقاط شهری و مشهد است که در قالب سکونت‌گاه‌های غیررسمی و حاشیه‌نشینی بروز می‌کند. بنابراین شناسایی مراکز با قابلیت جذب و

نگهداشت جمعیت روستایی در استان، موضوع مهم و توجه برانگیزی است که این مطالعه می‌تواند رهنمودی بر این موضوع باشد.

بر این اساس هدف اصلی این مطالعه، آشکارسازی تفاوت‌های جمعیت در نواحی محروم استان بین روستاهای دارای بقاع امام‌زادگان و سایر روستاها است تا به رهیافت توسعه‌ی محلی برای جذب و نگهداشت جمعیت روستایی در نواحی روستایی استان خراسان رضوی دست یابیم. پیرو مسأله تحقیق، فرضیه‌ی مطالعه بدین شرح تدوین شد: «به نظر می‌رسد در نواحی محروم استان خراسان رضوی، روستاهای دارای بقاع امام‌زادگان از نظر ویژگی‌های جمعیتی (تعداد و رشد)، تفاوت معناداری را در مقایسه با سایر روستاها به نمایش می‌گذارد».

مفاهیم، دیدگاه‌ها و مبانی نظری

از گذشته‌های دور مذهب، یکی از عوامل مؤثر در استقرار جمعیت و رونق سکونت‌گاه‌های انسانی بوده است (محلای، ۱۳۸۰: ۱۲). عده‌ای از محققان معتقدند زمانی که یک معبد در مکانی ساخته می‌شد، به تدریج جمعیت آن رو به فزونی می‌نهاد و تأسیسات شهری و تقسیم کار به وجود می‌آمد و روستاهای سابق کارکرد شهری پیدا می‌کردند (شکویی، ۱۳۸۷: ۱۴۷). طرفداران نظریه‌ی مذهبی در پیدایش سکونت‌گاه‌ها معتقدند عوامل مذهبی در به هم پیوستن گروه‌های مختلف اجتماعی و نیز تمرکز جمعیت و پیدایش سکونت‌گاه‌ها بسیار مؤثر بوده است. مطالعات انجام شده نشان می‌دهد که نقش مذهب به‌عنوان مبدأ بسیاری از شهرهای اسلامی انکارناپذیر است و نظیر سایر عوامل ایجاد شهرها، نقش عمده‌ای در توسعه‌ی شهرنشینی ایفا می‌کند (پاپلی یزدی و رجبی سناجردی، ۱۳۸۲: ۱۴۳). مطالعه‌ی تاریخ ایران باستان بیانگر آن است که شهرهای مذهبی از انواع مهم سکونت‌گاه‌ها به شمار می‌آمدند. شهرهایی نظیر «اونتاش هوبان» در تمدن ایلام و شهر «شیز» در عهد اشکانیان از مهم‌ترین موارد در این باره محسوب می‌شوند (سلطان‌زاده، ۱۳۶۲: ۵۱).

بررسی سیر تکوین تاریخ بشری همواره نشان داده است که عامل مذهب، دو تأثیر عمده در رونق جمعیت‌پذیری سکونت‌گاه‌ها ایفا کرده است؛ اول تقویت روحیه و افزایش حس وابستگی افراد به محیط مسکونی و تعلق خاطر درونی انسان به نیرویی فرامادی و اتصال او با عالم ملکوت و گذر از دنیای ناسوت است. لذا اماکن مذهبی به عنوان تجلی بسیاری از اعتقادات و باورهای عمیق دینی، نقش مهمی در استقرار و رونق جمعیت‌پذیری سکونت‌گاه‌های انسانی داشته است. از سوی دیگر حضور افراد در این اماکن باعث می‌شود که انسان راحت‌تر بتواند با منبع مقدس رابطه برقرار کند (Stevens, 1998).

در کنار این حس مهم باید به عامل دوم نیز اشاره کرد که بر خلاف عامل اول، رنگ و بویی مادی و اقتصادی دارد. به این معنا که اماکن مذهبی، همواره شاهد حضور زائران و افرادی است که تمایل به

حضور موقت در این گونه اماکن دارند و در نتیجهی حضور این افراد و نیاز آن‌ها به انواع کالا و خدمات، امکان رونق انواع فعالیت‌های اقتصادی فراهم شده و این شرایط زمینه کسب درآمد و اشتغال مناسب برای ساکنین را به همراه می‌آورد. پس نقش مهمی در تنوع‌بخشی به فعالیت‌های اقتصادی به‌ویژه در نواحی ناپایدار از نظر کسب و کار دارد. مجموعه‌ی این عوامل در شرایط حاضر در قالب گردشگری مذهبی و به شکل خاص‌تر در قالب زیارت در ادبیات علمی مورد توجه است. با این حال قدمت آن به قدمت خود فرهنگ دینی می‌رسد (مؤمنی و همکاران، ۱۳۸۷: ۱۵) و از قدیمی‌ترین انواع سیاحت است. امروزه گردشگری مذهبی توانسته است در متن گردشگری جهانی جای گیرد، به طوری که حوزه نفوذ آن سراسر جهان را فرا گرفته است (فراهانی و همکاران، ۲۰۱۳: ۲۰). بر اساس برآورد سازمان جهانی سفر و جهانگردی، گردشگری مذهبی شامل ۲۶ درصد از کل جریان‌های گردشگری جهان است (Icep, 1997:32). چنین شیوه‌ای از جابه‌جایی در دهه‌های اخیر شکل گسترده‌ای به خود گرفته و به صورت یکی از فعالیت‌های اصلی اقتصادی و اجتماعی در آمده است (سعیدی و همکاران، ۱۳۹۱: ۶). جنبه‌ی اشتغال‌زایی و تأثیر آن بر کارکردهای توسعه‌ی اقتصادی- اجتماعی، از جمله مزایای مهم گردشگری است که در حال حاضر تأثیر مهمی در رونق سکونت‌گاه‌های انسانی دارد (Holjevac, 2003: 130). این شرایط در مناطق محروم و سکونت‌گاه‌های روستایی، اهمیت ویژه‌ای دارد، به گونه‌ای که گردشگری امروزه نقش اقتصادی و اجتماعی کلیدی در توسعه نواحی روستایی که دچار رکود شده‌اند، ایفا کرده است (Perales, 2002: 1100-1110).

گردشگری، گزینه‌ای برای بهبود و شیوه‌ی زندگی روستایی و القای تغییرات مثبت در توزیع درآمد در مناطق گردشگری محروم است (Liu, 2006: 879). گردشگری مذهبی می‌تواند به توسعه‌ی ناحیه‌ای و تولید کار کمک کند و ارزش‌های فرهنگی را دوباره احیا نماید (Kara 2010: 100). در واقع گردشگری مذهبی شامل دیدار از اماکن مذهبی و انجام فرایض دینی و مذهبی است (حیدری چپانه، ۱۳۸۷: ۸۵). سفر زیارتی از قلمروی «مذهبی بودن» فراتر می‌رود و حتی سفر به مکان‌هایی که نماد ایده‌آل‌ها و ارزش‌های ملی هستند یا اماکن حادثه دیده را نیز شامل می‌شود (عظیمی‌هاشمی و رضوانی، ۱۳۹۱: ۲۱۴). در تقسیمات گردشگری، گردشگری مذهبی یکی از پنج شاخه‌ی اصلی گردشگری است (منشی‌زاده، ۱۳۸۰).

پیشینه تحقیق

درباره موضوع مورد مطالعه، تاکنون تحقیق و پژوهشی انجام نشده است. مطالعات انجام شده عموماً درباره‌ی گردشگری مذهبی است که به عنوان نمونه به برخی از آن‌ها اشاره می‌شود:

ولایی و دیگران (۱۳۹۲) در مطالعه‌ی خود با عنوان نقش گردشگری مذهبی در توسعه‌ی روستایی، با تأکید بر کیفیت زندگی و سرمایه‌ی اجتماعی بیان می‌دارد که گردشگری مذهبی در بین ابعاد اقتصادی، کالبدی، اجتماعی و زیست‌محیطی، تنها در بعد کالبدی، بهبود وضعیت کیفیت زندگی خانوارهای روستایی مورد مطالعه را به همراه داشته است. همچنین درباره‌ی سرمایه‌های اجتماعی در بعد انسجام وضعیت خانوارهای مورد مطالعه، پس از گسترش گردشگری مذهبی بهبود داشته، اما در ابعاد مشارکت و اعتماد اجتماعی، از سطح این ابعاد کاسته شده است.

پورطاهری و دیگران (۱۳۹۲) در مقاله‌ی خود با عنوان برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری مذهبی در مناطق روستایی دارای مکان‌های مذهبی «اورامان تخت، نجار و هجیج» به این نتیجه می‌رسند که برنامه‌ریزی با رویکرد راهبردی می‌تواند یکی از شیوه‌های بهره‌برداری از این فرصت‌ها برای مناطقی با ظرفیت‌های فرهنگی و مذهبی باشد. همچنین نتیجه‌ی مطالعات نشان داد که راهبرد رقابتی به عنوان یک بسته‌ی راهبردی برای سیاست‌گذاری و برنامه‌ریزی گردشگری مذهبی مورد توجه قرار گیرد.

باربر^۱ (۱۹۹۳) اشاره دارد که گردشگری مذهبی می‌تواند با توسعه‌ی مبادلات تجاری، فرهنگی و سیاسی موجب پویایی جمعیت منطقه شود. سفرهای زیارتی می‌توانند بر فرایندهای سیاسی، اقتصادی، اجتماعی، فرهنگی و حتی سلامت مردم تأثیر بگذارند. به همین دلیل جغرافی‌دانان را به مطالعه نتایج آن بر رفتار مکانی و فضایی زائران علاقه‌مند می‌کند. بر این مبنا می‌توان زیارت و سفرهای زیارتی را یکی از مهم‌ترین دلایل تغییرات مکانی دانست که می‌تواند فعالیت‌های اقتصادی منطقه را دستخوش تغییرات اساسی کند.

کرنیر^۲ (۲۰۱۰) بیان می‌دارد که هرچند ادبیات توسعه‌ی گردشگری به گردشگری مذهبی به‌ویژه در مناطق روستایی کم‌تر توجه می‌کند، این شکل از گردشگری بر جوامع انسانی تأثیر زیادی دارد. زیارت حاصل از گردشگری مذهبی، تغییرات زیادی را در حرکات جمعیتی مانند زمینه‌سازی برای ایجاد تجارت و کسب و کار، تغییرات فرهنگی، همبستگی‌های سیاسی به وجود می‌آورد و همچنین موجب گسترش بیماری‌ها و اپیدمی‌ها می‌شود که لازم است با دیدگاهی نقادانه به تبیین دقیق این آثار پرداخته شود.

همچنین از دیگر مطالعات مشابه می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

دیناری (۱۳۸۵) به بررسی جایگاه گردشگری در دین اسلام پرداخته و بیان می‌دارد که یکی از مهم‌ترین انگیزه‌های گردشگری در جهان، مسافرت‌های مذهبی و زیارتی است. منشی‌زاده و مرادی

1- Barber

2- Kreiner

(۱۳۸۶) به بررسی تأثیر گردشگران مذهبی بر فضاهای کالبدی شهر مشهد پرداخته‌اند. کاویان‌فر (۱۳۸۶) به گردشگری در فرانسه و جهان پرداخته و عنوان می‌کند که این نوع گردشگری در فرانسه در حال افزایش است و علاقه‌ی مردم به دین، به دلیل دیدن این مکان‌ها بیش‌تر شده است.

مؤمنی و همکاران (۱۳۸۷) در تحلیل ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد، به بررسی کارکردها و ساختارهای شئون زندگی معنوی (اجتماعی و فرهنگی) و مادی (اقتصادی و فضایی) شهر مشهد پرداخته‌اند. نتیجه این مطالعه نشان می‌دهد که ناپایداری موجود در شهر مشهد ناشی از جمعیت روزافزون و گسستگی مدیریت گردشگری است. تقوی و همکاران (۱۳۸۷) در مطالعه‌ی خود با عنوان «تحلیلی بر توسعه‌ی گردشگری مذهبی شهرستان ممسنی» بیان می‌دارند که در صورت اصلاح شیوه مدیریت و برنامه‌ریزی صحیح، بقاع موجود در این شهرستان توانایی زیادی در جذب گردشگران مذهبی و رفع بخشی از مسائل شهرستان دارند.

ابراهیم‌زاده و دیگران (۱۳۹۰) در مطالعه‌ی خود با عنوان برنامه‌ریزی استراتژیک توسعه گردشگری، با تأکید بر گردشگری مذهبی شهر قم، با به کارگیری فرایند برنامه‌ریزی استراتژیک، ضمن پی‌جویی توانمندی‌ها و کارکردهای گردشگری شهر قم و برای توسعه این کارکردها، به ارائه راه‌کارها و تعیین استراتژی‌های کاربردی برای توسعه‌ی گردشگری با تأکید بر گردشگری مذهبی شهر قم پرداخته‌اند. بدری و طیبی در پژوهش خود با عنوان «بررسی عوامل مؤثر بر هزینه‌های گردشگری مذهبی شهر مشهد مقدس» به این نتیجه رسیدند که هزینه‌ی عمده‌ی گردشگران در شهر مشهد، خرید از بازار است و کم‌ترین هزینه را برای تأمین محل اقامت خود صرف کرده‌اند.

روش تحقیق

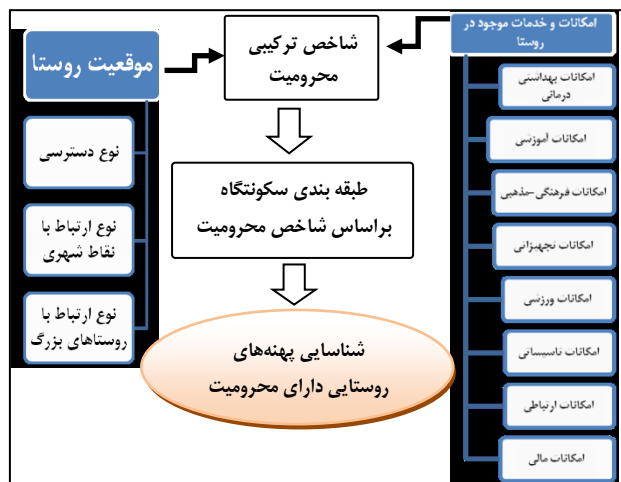
در این تحقیق از روش توصیفی-تحلیلی استفاده شده است و در آن با بهره‌گیری از شاخص جمعیت و اندازه‌ی جمعیتی روستا به بررسی وضعیت تغییرات جمعیتی سکونت‌گاه‌های روستایی محروم استان به تفکیک روستاهای دارای بقاع امام‌زادگان و بدون آن پرداخته شد. در ادامه ضمن تدوین مدل مفهومی تحقیق و تعیین فرایند شناسایی روستاهای محروم، تفاوت‌های جمعیتی روستاهای دارای امام‌زاده و بدون آن بررسی شد. در هر مرحله از تحقیق با بهره‌گیری از مدل‌ها و روش‌های آماری مناسب به شرح زیر این مهم به انجام رسید. برای تعیین درجه‌ی محرومیت نقاط روستایی استان، اقدام به تشکیل شاخص ترکیبی محرومیت متشکل از دو شاخص کلی موقعیت روستاها و خدمات و امکانات موجود در هر روستا (شامل یازده زیر شاخص) و محاسبه آن با سیستم فضایی چند معیاره (MC-SDSS) در سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) شد. نتیجه این مرحله، تعیین شاخص درجه محرومیت برای هر یک از نقاط روستایی استان بود.

در ادامه ضمن بهره‌گیری از مدل تحلیل خوشه‌ای دو مرحله‌ای، اقدام به خوشه‌بندی نقاط روستایی استان بر اساس شاخص ترکیبی محرومیت گردید. نتیجه‌ی این مرحله، خوشه‌بندی نقاط روستایی در سه طبقه‌ی با درجه محرومیت کم، متوسط و بالا بود. پس از شناسایی روستاهای محروم استان و تفکیک آن‌ها به دو دسته‌ی روستاهای دارای امامزاده و بدون آن، اقدام به بررسی: (۱) تغییرات جمعیتی روستاها در سه دوره سرشماری ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ با استفاده از آزمون آماری t با دو نمونه مستقل و (۲) تناسب اندازه‌ی سکونت‌گاه‌های روستایی (بر اساس تعداد جمعیت) با توجه به وجود یا نبود امامزاده با استفاده از آزمون همبستگی وی کرامر گردید و نتایج مورد نظر تحصیل شد.

جامعه آماری در این مطالعه شامل روستاهای دارای بقاع امامزادگان و سایر روستاها در نواحی محروم استان خراسان رضوی است. بر اساس مطالعات انجام شده با روش‌های «سیستم‌های تصمیم‌گیری چند معیاره‌ی فضایی» و «تحلیل خوشه‌ای»، ۷۸۴ روستا با جمعیت معادل ۱۱۷۲۳۱ نفر در استان خراسان رضوی جزء روستاهای محروم استان به شمار می‌آیند.

مدل مفهومی تحقیق: محرومیت، شاخصی کلی و ترکیبی از شاخص‌های گوناگون است. از یک جنبه‌ی کلی، میزان محرومیت یک سکونت‌گاه روستایی را می‌توان ناشی از شرایط موقعیتی و میزان امکانات و خدمات موجود در آن به شمار آورد. با توجه به ترکیبی بودن این شاخص، برای محاسبه‌ی دقیق آن، استفاده از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره ضرورت دارد. در این میان، مدل‌های چند معیاره‌ی فضایی به دلیل آشکارسازی نتایج به صورت نقشه، اهمیت ویژه‌ای دارد. بنابراین مدل سیستم پشتیبانی فضایی چند معیاره برای محاسبه‌ی شاخص محرومیت نقاط روستایی به کار گرفته شده است. با توجه به موضوعات مطرح شده، مدل مفهومی تحقیق در شناسایی روستاهای محروم به دو بخش موقعیت روستا و امکانات و خدمات موجود در هر روستا تقسیم شد که کلیت آن در شکل مقابل مشخص شده است.

معرفی مدل: سیستم پشتیبانی فضایی چند معیاره (MC-SDSS): این مدل، ترکیبی از روش‌های چند معیاره‌ی تصمیم‌گیری و سیستم اطلاعات جغرافیایی است. در این مدل کاربر می‌تواند بهترین راه‌حل‌های جایگزین را تعریف کند و آن را با موقعیت جغرافیایی آن ارتباط دهد. این ارتباط تنگاتنگ، به محقق بینش ویژه‌ای می‌دهد تا بهترین تصمیم را در بهترین زمان اتخاذ کند. مهم‌ترین نقش MC-SDSS سروکار داشتن با سختی‌ها و مشکلاتی است که تصمیم‌سازی انسانی را با مشکل مواجه می‌کند که اتفاقاً با هزینه‌های زیادی نیز مواجه می‌شوند. این ارزیابی با دو فن SAW (وزن‌دهی افزایشی ساده) و Topsis انجام می‌شود.



شکل ۱- مدل مفهومی تحقیق

با استفاده از این روش، ارزش‌های ارجح برای هر جایگزین احتمالی از طریق ویژگی‌های چندگانه در سیستم اطلاعات جغرافیایی محاسبه می‌شود. ارجحیت این روش نسبت به سایر روش‌های تحلیل چند معیاره، در حقیقت فضایی کردن تصمیمات است. این روش، موضوعات تحلیلی عددی را با یک ماتریس کاربردی در دو مرحله: نمره دهی و وزن دهی عملی می‌سازد. در مرحله نمره دهی، نتیجه مورد انتظار از هر گزینه در قالب یک نمره عددی مشخص می‌شود. گزینه‌های مهم‌تر، نمره بالاتر و گزینه‌های کم‌اهمیت‌تر، نمره کم‌تری دارند. در مرحله وزن دهی، وزن‌های عددی برای تعریف و تغییرات نسبی بین حد بالا و پایین مقیاس انتخاب شده برای هر معیار مشخص می‌شوند (اکبری، ۱۳۷۸: ۱۷۱).

محدوده و قلمرو پژوهش

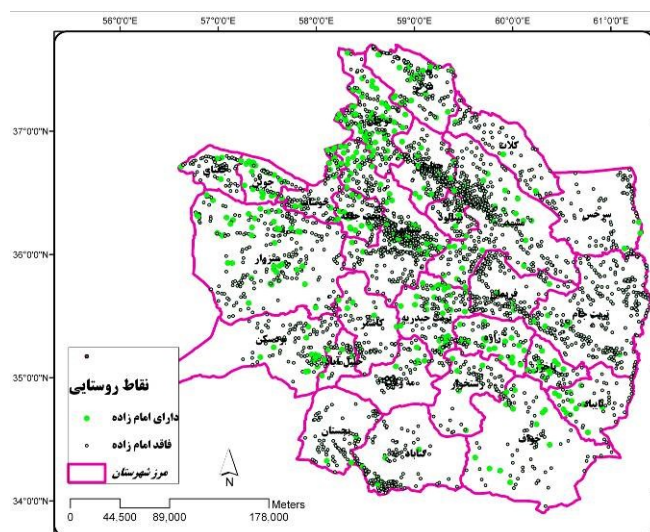
بحث اصلی

یافته‌های تحقیق در سه بخش بررسی روستاهای استان خراسان رضوی از نظر بقاع متبرکه، بررسی تغییرات جمعیتی در روستاهای محروم دارای امامزاده و بدون آن و بررسی جایگاه و مقایسه‌ی تفاوت‌های جمعیتی روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده در نواحی محروم روستایی به شرح زیر بیان می‌شود.

وضعیت روستاهای استان از نظر توزیع بقاع متبرکه و تعداد جمعیت

تعداد و توزیع فضایی

از مجموع نقاط روستایی استان در سال ۱۳۹۰، در ۳۹۰ روستا بقاع متبرکه یا امامزاده وجود دارد. جمعیت ساکن در این روستاها نیز بالغ بر ۳۰۶۳۳۵ نفر است (مرکز آمار ایران، ۱۳۹۰). این تعداد روستا و جمعیت به ترتیب ۱۰/۸ درصد روستاها و ۱۸/۴ درصد جمعیت روستایی استان در سال ۱۳۹۰ است. همچنین با توجه به آمار یادشده می‌توان گفت که در هر یک از روستاهای دارای بقاع، میانگین جمعیت ۷۸۵ و در سایر روستاها ۴۲۲ نفر است که به نوعی مبین نقش روستاهای دارای بقاع در جمعیت‌پذیری روستاهای استان است. همان‌طور که در نقشه‌ی زیر نیز مشاهده می‌شود، این روستاها در تمام پهنه‌ی استان استقرار دارند. البته در بخش‌های شمال غربی استان، تراکم بیش‌تری از این روستاها در مقایسه با سایر بخش‌ها، به‌ویژه بخش‌های جنوبی دیده می‌شود.



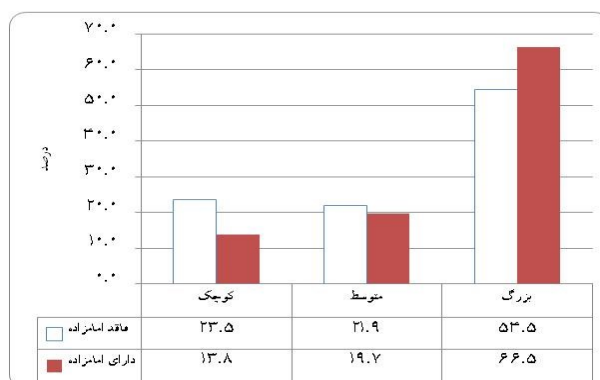
شکل ۲- پراکنش روستاهای دارای بقاع متبرکه در استان خراسان رضوی

مأخذ: یافته‌های تحقیق بر اساس اطلاعات سرشماری مرکز آمار ایران ۱۳۹۰

ساختار جمعیتی روستاها (تعداد و میزان جمعیت)

الف) تعداد روستاها: بیش‌تر روستاهای دارای امامزاده‌ی استان از نوع روستاهای کوچک (کم‌تر از ۵۰۰ نفر جمعیت) است. در مجموع ۱۸۷ روستا چنین وضعیتی دارند. این میزان شامل ۴۷/۹ درصد از این

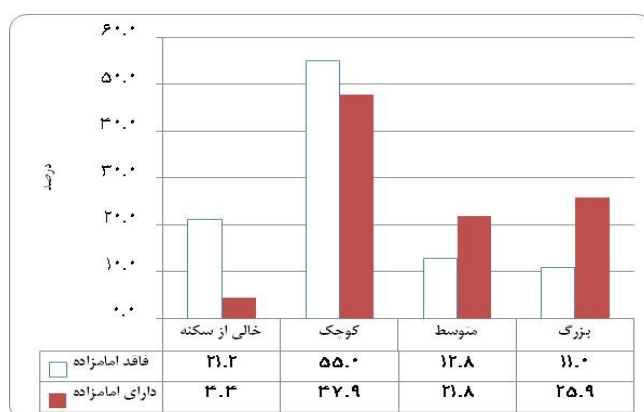
روستاها می‌شود. بنابراین از نظر تعداد روستا می‌توان الگوی غالب آن را از نوع روستاهای کوچک به شمار آورد. البته چنین وضعیتی را در بین تمام روستاهای استان نیز می‌توان دید. با این حال در مجموع می‌توان تفاوت‌هایی را بین وضعیت روستاهای دارای امامزاده و سایر روستاها مشاهده کرد. درباره‌ی روستاهای خالی از سکنه، نسبت این روستاها در روستاهای دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها بسیار کم‌تر است. این نشان می‌دهد که روند تخلیه‌ی جمعیت روستایی در روستاهای بدون امامزاده در مقایسه با روستاهای دارای امامزاده بیش‌تر است. از سوی دیگر درباره روستاهای متوسط و بزرگ استان نیز در بین روستاهای دارای امامزاده و سایر روستاها تفاوت‌هایی مشاهده می‌شود، یعنی نسبت این روستاها در نقاط روستایی دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها بیش‌تر است. نمودار زیر بیانگر الگوی جمعیتی روستاهای دارای امامزاده‌ی استان و مقایسه‌ی آن با وضعیت روستاهای استان از نظر شاخص تعداد روستا است.



شکل ۳- اندازه جمعیتی روستاهای دارای امامزاده و بدون آن در استان خراسان رضوی (۱۳۹۰)

ب) جمعیت روستاها: از نظر توزیع جمعیت باید گفت عمده‌ی جمعیت روستاهای دارای امامزاده‌ی استان در روستاهای بزرگ (بیش از ۲۰۰۰ نفر) سکونت دارند. در مجموع ۲۰۳۸۳۸ نفر از جمعیت در این روستاها سکونت دارند. این میزان ۶۶/۵ درصد از جمعیت این روستاها را شامل می‌شود. بنابراین از نظر جمعیت می‌توان گفت الگوی غالب سکونت در روستاهای دارای امامزاده، متعلق به روستاهای بزرگ است. البته چنین وضعیتی را در بین تمام روستاهای استان نیز می‌توان دید. با این حال از نظر توزیع جمعیت می‌توان تفاوت‌هایی را بین وضعیت روستاهای دارای امامزاده و سایر روستاها مشاهده کرد.

توزیع جمعیت روستاهای بزرگ در روستاهای دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها بیانگر آن است که میانگین جمعیت این روستاها بیش‌تر از روستاهای بدون امامزاده است. از این‌رو تراکم بیش‌تری از جمعیت در روستاهای بزرگ دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها مشاهده می‌شود. از سوی دیگر در سطح استان در روستاهای کوچک بدون امامزاده در مقایسه با روستاهای دارای امامزاده نسبت جمعیت بیش‌تری مشاهده می‌شود. نمودار زیر بیانگر این موضوع است.



شکل ۴- تعداد جمعیت ساکن در نقاط روستایی دارای امامزاده و بدون آن بر اساس اندازه‌ی جمعیتی روستا (۱۳۹۰)

همان‌طور که مشاهده شد وضعیت متفاوتی در میان روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده‌ی استان از نظر جمعیت و الگوی جمعیتی وجود دارد. در یک جمع‌بندی از این بخش می‌توان گفت که:

- اندازه جمعیتی در روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده تفاوت چندانی را با یکدیگر نشان نمی‌دهد. به عبارتی این روستاها از یک روند کلی تبعیت می‌کنند.
- گرایش به تمرکز بیش‌تر جمعیت و دوری از تخلیه‌ی روستا در روستاهای دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها به خوبی مشاهده می‌شود و این وجه تمایز اصلی الگوی سکونت در روستاهای دارای امامزاده و بدون آن است.

با توجه به وسعت بالای استان، تعداد زیاد روستاها و جمعیت ساکن در آن‌ها، وضعیت متفاوت روستاها در بهره‌مندی از امکانات و خدمات و همچنین موقعیت نقاط روستایی در ارتباط با عناصر پیرامونی، باعث تنوع محیط‌های روستایی در استان شده است. این ناهمگونی محیط روستایی، تأثیرات گوناگونی در استقرار جمعیت و میزان آن در هر یک از نقاط خواهد داشت. بنابراین برای بررسی نقش بقاع متبرکه در تغییرات جمعیت روستایی استان، ضرورت انتخاب روستاهای همگن از نظر سطح

امکانات و خدمات اهمیت دارد. به عبارتی انتخاب روستاهای همگن از نظر دسترسی به امکانات و خدمات و همچنین موقعیت جغرافیایی که مهم‌ترین وجه بارز تفاوت آن‌ها وجود یا نبود بقاع متبرکه باشد. پس برای بررسی دقیق‌تر تفاوت‌های جمعیتی در روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده، ضروری است این مقایسه در بین یک مجموعه‌ی روستایی همگن از نظر امکانات و خدمات (انواع خدمات بهداشتی، درمانی، آموزشی، تأسیسات، تفریحی و...) و همچنین موقعیت (موقعیت جغرافیایی، موقعیت نسبی نظیر فاصله تا سطوح برتر خدمات‌رسانی، نوع دسترسی و...) صورت پذیرد. از این‌رو ابتدا این مجموعه‌ی همگن باید شناسایی شود و سپس ارزیابی در بین عناصر آن صورت پذیرد. در این مطالعه، ملاک تعیین مجموعه‌ی همگن، شاخص ترکیبی محرومیت در نظر گرفته شده است. با توجه به این‌که به نظر می‌رسد با افزایش درجه‌ی محرومیت، بی‌ثباتی و کاهش جمعیت روستایی نیز افزایش می‌یابد، بنابراین نواحی با درجه‌ی محرومیت بالا، مجموعه‌ی همگن روستایی مورد هدف این مطالعه را تشکیل خواهد داد. برای این منظور در ادامه ضمن شناسایی روستاهای محروم استان، تغییرات جمعیتی در روستاهای محروم به تفکیک روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده بررسی می‌شود.

تغییرات جمعیتی در روستاهای محروم داری امام زاده و فاقد آن

شناسایی و انتخاب روستاهای محروم استان

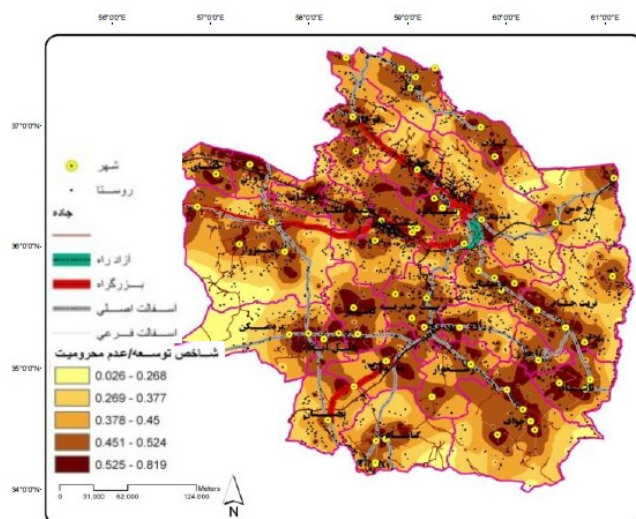
این شناسایی در سه مرحله و به صورت زیر انجام شده است:

الف) انتخاب شاخص‌ها: همان‌طور که عنوان شد در این مطالعه با بهره‌گیری از شاخص‌هایی نظیر امکانات و خدمات موجود در هر روستا و همچنین موقعیت هر روستا، سکونت‌گاه‌های روستایی از نظر شاخص محرومیت طبقه‌بندی شده است. این شاخص‌ها شامل ۱- امکانات و خدمات موجود در روستا از قبیل امکانات بهداشتی، درمانی، آموزشی، فرهنگی، مذهبی، تجهیزات ورزشی، تأسیساتی، ارتباطات و مالی، ۲- موقعیت روستا شامل دسترسی آن به مسیرهای ارتباطی مهم و عمده، موقعیت آن نسبت به مناطق شهری و سطوح برتر خدمات‌رسانی و موقعیت جغرافیایی است.

ملاک انتخاب شاخص‌ها، میزان دسترسی و موجود بودن اطلاعات است. بدین منظور برای هر یک از نقاط روستایی، پایگاه اطلاعات داده در سیستم اطلاعات جغرافیایی (GIS) تشکیل شد. در این پایگاه ضمن وارد کردن اطلاعات سرشماری سال ۱۳۹۰، وضعیت هر یک از نقاط روستایی درباره‌ی امکانات و خدمات موجود مشخص گردید. همچنین در این پایگاه با بهره‌گیری از لایه‌های اطلاعاتی دیگر نظیر لایه‌ی اطلاعاتی راه، نقاط شهری استان، روستاهای بزرگ و استفاده از توابع آماری فضایی نظیر point distance، موقعیت هر روستا با راه‌های ارتباطی، نقاط شهری و روستاهای بزرگ و سطوح برتر خدمات‌رسانی مشخص شد.

ب) تعیین درجه محرومیت:

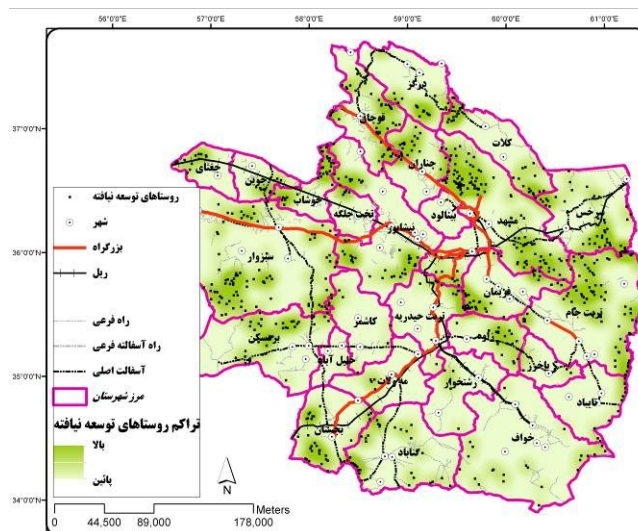
برای تعیین درجه محرومیت روستاها بر اساس شاخص‌های یادشده، از مدل‌های تصمیم‌گیری چند معیاره‌ی فضایی استفاده شد که در نتیجه‌ی آن ضمن بهره‌گیری از شاخص‌های یادشده و ترکیب آن‌ها با یکدیگر، درجه‌ی محرومیت روستاهای استان تعیین شد. ترکیب شاخص‌ها با یکدیگر و تعیین درجه‌ی محرومیت بر اساس مدل تاپسیس (یکی از مهم‌ترین مدل‌های تصمیم‌گیری) در سیستم اطلاعات جغرافیایی و نمایش خروجی آن به صورت نقشه بوده است. شاخص ترکیبی به‌دست آمده بین صفر و یک است که اعداد نزدیک به یک، بیانگر محرومیت کم‌تر و سطح توسعه‌ی مناسب و اعداد نزدیک به صفر، بیانگر درجه‌ی محرومیت بیش‌تر و سطح توسعه‌ی نامناسب است (شکل ۵).



شکل ۵- درجه‌بندی میزان محرومیت نواحی روستای استان خراسان رضوی

مأخذ: یافته‌های تحقیق

ج) خوشه بندی روستاها و تعیین روستاهای محروم: در نهایت با استفاده از مدل خوشه‌بندی دو مرحله‌ای، شاخص ترکیبی محرومیت به‌دست آمده از مرحله قبل، در سه سطح محرومیت بالا، متوسط و کم طبقه‌بندی شد که نتیجه‌ی آن در نقشه‌ی زیر مشخص شده است. در مجموع از بین ۳۶۰۶ نقطه روستایی استان، ۷۸۴ روستا (۲۱/۷ درصد نقاط روستایی) با جمعیتی به میزان ۱۱۷۲۳۱ نفر (۷/۱ درصد جمعیت روستایی) به عنوان روستاهای با سطح محرومیت بالا شناسایی و انتخاب شد.

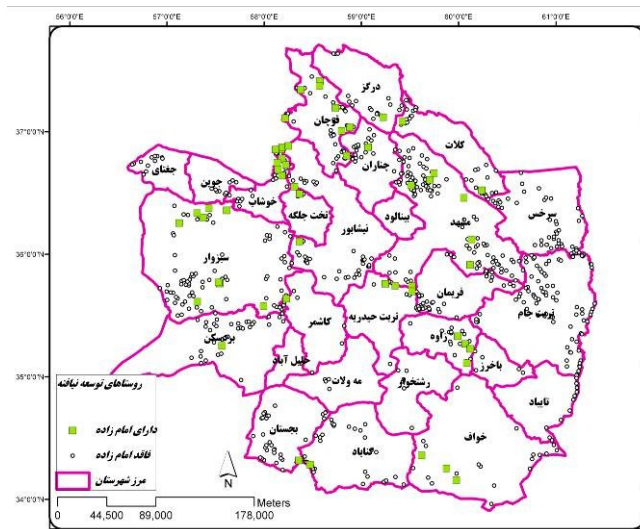


شکل ۶- موقعیت روستاهای با سطح محرومیت بالا در استان خراسان رضوی
 مأخذ: یافته‌های تحقیق

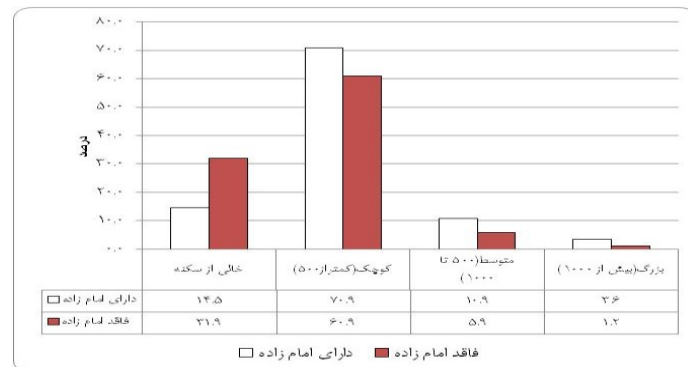
روستاهای محروم استان از نظر وجود بقاع متبرکه

الف) تعداد و توزیع فضایی: از مجموع نقاط روستایی محروم استان، ۵۴ روستا دارای امامزاده‌اند. این تعداد شامل ۶/۹ درصد روستاهای محروم و ۱۳/۸ درصد روستاهای دارای امامزاده استان می‌شود. جمعیت ساکن در این روستاها بالغ بر ۱۲۳۱۹ نفر است که این میزان، ۴/۱ درصد جمعیت روستاهای دارای امامزاده است. میانگین جمعیت این روستاها نیز ۲۲۸ نفر است که در مقایسه با میانگین جمعیت روستاهای دارای امامزاده‌ی استان که رقم ۷۸۵ نفر است، تفاوت اساسی را نشان می‌دهد. نقشه زیر موقعیت روستاهای دارای امامزاده‌ی محروم استان را نشان می‌دهد.

ب) تعداد جمعیت و الگوی جمعیتی روستا: همان‌طور که عنوان شد، جمعیت روستاهای محروم دارای امامزاده‌ی استان، بالغ بر ۱۲۳۱۹ نفر است. این تعداد جمعیت در ۵۴ نقطه‌ی روستایی استان ساکن هستند. بررسی الگوی جمعیتی این روستاها نشان می‌دهد که ۱۴/۵ درصد از این روستاها خالی از سکنه هستند (شامل هشت روستا)؛ در حالی که روستاهای خالی از سکنه، درصد زیادی از روستاهای محروم استان (۳۱/۹ درصد) را شامل می‌شود. در مجموع الگوی غالب روستاهای محروم دارای امامزاده‌ی استان، شامل روستاهای با جمعیت کمتر از پانصد نفر است که در برگیرنده‌ی ۷۰/۹ درصد این روستاها است. نمودار زیر وضعیت روستاهای محروم دارای امامزاده و بدون امامزاده‌ی استان را بر حسب الگوی جمعیتی هر روستا نشان می‌دهد.



شکل ۷- موقعیت روستاهای محروم و دارای امامزاده‌ی استان خراسان رضوی
 مأخذ: یافته‌های تحقیق

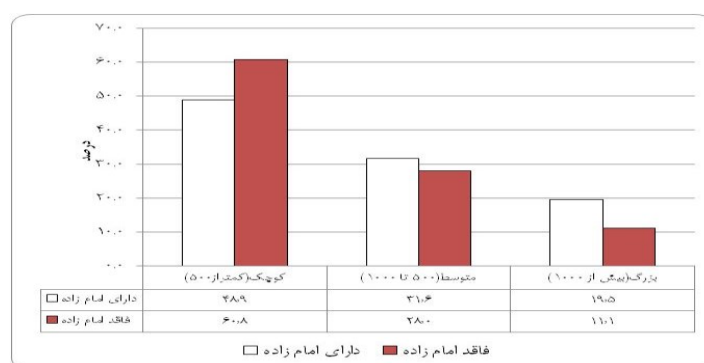


شکل ۸- اندازه جمعیتی روستاهای محروم دارای امامزاده و بدون آن
 در استان خراسان رضوی (۱۳۹۰)

با توجه به نمودار بالا می‌توان گفت:

- روند کلی حاکم بر الگوی سکونت در روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده‌ی استان یکسان است؛ به گونه‌ای که اغلب این روستاها به ترتیب از نوع روستاهای کوچک، خالی از سکنه، متوسط و بزرگ است.

• در هر طبقه، بین روستاهای دارای امامزاده و بدون آن، تفاوت‌هایی دیده می‌شود. درصد روستاهای خالی از سکنه‌ی استان در روستاهای بدون امامزاده بسیار بیش‌تر از روستاهای دارای امامزاده است. یعنی در نواحی محروم استان، روند ترک و تخلیه روستا در روستاهای دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها شدت کم‌تری دارد. بر اساس محاسبات انجام شده در نواحی محروم استان، ۹۶/۷ درصد روستاهای خالی از سکنه و ۹۲/۱ درصد روستاهای کوچک، بدون امامزاده هستند. همچنین وضعیت روستاهای مورد مطالعه از نظر تعداد جمعیت در هر طبقه‌ی جمعیتی به صورت نمودار زیر است.



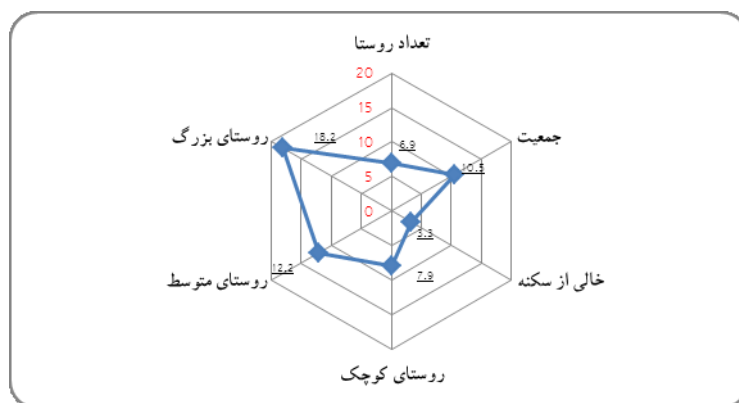
شکل ۹- تعداد جمعیت ساکن در نقاط روستایی محروم دارای امامزاده و بدون آن بر اساس اندازه‌ی جمعیتی روستا (۱۳۹۰)

همان‌طور که می‌بینید در نواحی محروم استان در روستاهای دارای امامزاده، تجمع جمعیت در روستاهای متوسط و بزرگ بیش از سایر روستاهاست. در مقابل، نسبت جمعیت ساکن در روستاهای بدون امامزاده در روستاهای کوچک بیش‌تر از روستاهای دارای امامزاده است.

بررسی جایگاه و مقایسه‌ی تفاوت‌های جمعیتی روستاهای دارای امامزاده و فاقد آن در نواحی محروم روستایی استان

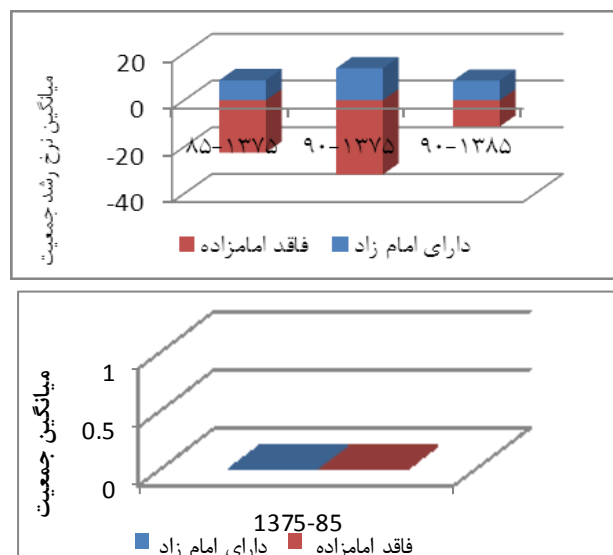
الف) سهم جمعیتی و نقاط روستایی: روستاهای دارای امامزاده‌ی استان در مقایسه با سایر روستاها در نواحی محروم، سهم جمعیتی نسبتاً بهتری را نشان می‌دهند. بر اساس آمار سال ۱۳۹۰، هر چند این روستاها در نواحی محروم ۶/۹ درصد از نقاط روستایی را شامل می‌شوند، ۱۰/۵ درصد از جمعیت روستایی را در خود جای داده‌اند. علاوه بر آن این روستاها ۳/۳ درصد از روستاهای خالی از سکنه و همچنین ۱۸/۲ درصد از روستاهای بزرگ (با جمعیت بیش از هزار نفر) را در نواحی محروم شامل

می‌شوند که به نوعی بیانگر جایگاه مهم این روستاها در جمعیت‌پذیری روستایی استان به شمار می‌آید. نمودار زیر بیانگر این موضوع است.



شکل ۱۰- سهم جمعیتی روستاهای دارای امامزاده در نواحی محروم روستایی در مقایسه با سایر روستاها (۱۳۹۰)

ب) بررسی تغییرات میانگین جمعیت و رشد جمعیت: بررسی تغییرات میانگین جمعیت و رشد جمعیت در دوره‌های گوناگون، شاخصی است که می‌تواند در آشکارسازی تفاوت‌های جمعیتی میان روستاهای دارای امامزاده و فاقد آن کمک شایانی کند. بر اساس مطالعات انجام شده درباره‌ی میانگین جمعیت روستا مشخص شد که این شاخص برای روستاهای دارای امامزاده در سال ۱۳۷۵ برابر با ۲۷۸ و برای روستاهای بدون امامزاده نیز معادل ۱۶۳ نفر بوده است. این میزان در سال ۱۳۹۰ به ترتیب روستاهای بزرگ دارای امامزاده و فاقد آن به ۲۲۹ و ۱۴۴ نفر رسیده است. بخش عمده‌ای از این کاهش ناشی از کاهش جمعیت روستایی استان در این مدت و مهاجرت آن‌ها به نقاط شهری است. با این حال همان‌طور که مشاهده می‌شود میانگین جمعیت در روستاهای دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها عدد بالاتری را نشان می‌دهد که بیانگر نقش پررنگ این روستاها در پذیرش جمعیت روستایی در نواحی محروم استان است. همچنین بررسی شاخص نرخ رشد جمعیت در دوره ۱۳۷۵-۱۳۹۰ نشان می‌دهد که روستاهای دارای امامزاده در مقایسه با سایر روستاها، نرخ رشد بالاتری دارند. نمودارهای زیر بیانگر این موضوع هستند.



شکل ۱۱- تغییرات میانگین جمعیت و نرخ رشد جمعیت روستاهای دارای امامزاده و فاقد آن در نواحی روستایی محروم استان (۱۳۷۵-۱۳۹۰)

ج) بررسی تفاوت‌های جمعیتی روستاهای دارای امامزاده و بدون آن در نواحی محروم استان: برای بررسی تفاوت‌های جمعیتی میان روستاهای دارای امامزاده و فاقد آن و تعیین سطح معناداری آن، از آزمون t با دو نمونه‌ی مستقل استفاده شده است که نتایج آن به شرح جدول (۱) است. در این جدول، دو فرض در نظر گرفته شده است: اول برابری واریانس‌ها و دیگری نابرابری واریانس‌ها. این وضعیت با آزمون لون^۱ ارزیابی شده است. بر این اساس در صورت تأیید معناداری برابری واریانس هر شاخص، از اطلاعات موجود در ردیف اول هر شاخص استفاده می‌شود که در حقیقت مؤید فرض برابری واریانس شاخص مورد مطالعه در روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده است. اما در صورت عدم معناداری آزمون لون، آنگاه فرض نابرابری واریانس بین شاخص‌ها پذیرفته می‌شود و می‌بایست از اطلاعات ردیف دوم هر شاخص استفاده کرد. نتایج این تحلیل نشان می‌دهد که:

شاخص‌های میزان جمعیت در سال‌های ۱۳۷۵، ۱۳۸۵، ۱۳۹۰ و همچنین نرخ رشد جمعیت دوره ۱۳۸۵-۱۳۹۰ در روستاهای دارای امامزاده و فاقد امامزاده دارای واریانس برابر است. آزمون t درباره این شاخص‌ها نشان می‌دهد که در روستاهای دارای امامزاده و بدون آن، شاخص‌های مورد نظر تفاوت معناداری دارند.

1- levee

درباره شاخص رشد جمعیت در دهه ۱۳۷۵-۱۳۸۵ همان‌طور که مشاهده می‌شود در روستاهای دارای امامزاده و بدون آن، فرض برابری واریانس‌ها پذیرفته نمی‌شود. همچنین آزمون t نشان می‌دهد که در این زمینه تفاوت معناداری بین روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده دیده نمی‌شود. بنابراین از میان پنج شاخص جمعیتی مورد بررسی در روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده مشخص می‌شود که در چهار شاخص این روستاها تفاوت معنادار دارند و در یک شاخص تفاوتی را با یکدیگر نشان نمی‌دهند. مقایسه میانگین این شاخص‌ها بیانگر آن است که در روستاهای دارای امامزاده، این مقدار بیشتر از سایر روستاها است (جدول ۱).

جدول ۱- آزمون معناداری شاخص‌های جمعیتی در روستاهای محروم دارای امامزاده و بدون امامزاده در استان خراسان رضوی.

t-test for Equality of Means						Levene's Test for Equality of Variances		شاخص‌ها		
95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.			F
Upper	Lower									
-۵۴.۷	-۱۷۵.۵	۳۰.۷	-۱۱۵.۱	.۰	۷۹۵	-۳.۷	.۰۰۴	۸.۵	برابری واریانس‌ها	جمعیت ۱۳۷۵
-۳۸.۸	-۱۹۱.۳	۳۸.۱	-۱۱۵.۱	.۰۰۴	۵۸.۹	-۳.۰			نابرابری واریانس‌ها	
-۲۶.۰	-۱۴۸.۲	۳۱.۱	-۸۷.۱	.۰۰۵	۷۹۵	-۲.۸	.۰۵۰	۳.۸	برابری واریانس‌ها	جمعیت ۱۳۸۵
-۱۲.۸	-۱۶۱.۴	۳۷.۱	-۸۷.۱	.۰۲	۵۹.۴	-۲.۳			نابرابری واریانس‌ها	
-۲۱.۰	-۱۴۷.۹	۳۲.۳	-۸۴.۵	.۰۰۹	۷۹۵	-۲.۶	.۰۱۹	۵.۵	برابری واریانس‌ها	جمعیت ۱۳۹۰
-۵.۷	-۱۶۳.۲	۳۹.۴	-۸۴.۵	.۰۴	۵۹.۱	-۲.۱			نابرابری واریانس‌ها	
-۴.۰	-۵۷.۹	۱۳.۷	-۳۱.۰	.۰۲	۷۹۵	-۲.۲	.۷۸	.۰۷۳	برابری واریانس‌ها	رشد ۸۵-۷۵
۸.۳	-۷۰.۳	۱۹.۶	-۳۱.۰	.۱۲	۵۷.۵	-۱.۶			نابرابری واریانس‌ها	
۹.۹	-۱۵.۶	۶.۵	-۲.۸	.۶۷	۵۷۲	-.۴	.۰۰	۱۲.۹	برابری واریانس‌ها	رشد ۹۰-۸۵

t-test for Equality of Means						Levene's Test for Equality of Variances		شاخص‌ها		
95% Confidence Interval of the Difference		Std. Error Difference	Mean Difference	Sig. (2-tailed)	df	t	Sig.			F
Upper	Lower									
-۵۴.۷	-۱۷۵.۵	۳۰.۷	-۱۱۵.۱	.۰	۷۹۵	-۳.۷	.۰۰۴	۸.۵	برابری	جمعیت ۱۳۷۵
-۳۸.۸	-۱۹۱.۳	۳۸.۱	-۱۱۵.۱	.۰۰۴	۵۸.۹	-۳.۰			نابرابری واریانس‌ها	
-۲۶.۰	-۱۴۸.۲	۳۱.۱	-۸۷.۱	.۰۰۵	۷۹۵	-۲.۸	.۰۵۰	۳.۸	برابری	جمعیت ۱۳۸۵
-۱۲.۸	-۱۶۱.۴	۳۷.۱	-۸۷.۱	.۰۲	۵۹.۴	-۲.۳			نابرابری واریانس‌ها	
-۲۱.۰	-۱۴۷.۹	۳۲.۳	-۸۴.۵	.۰۰۹	۷۹۵	-۲.۶	.۰۱۹	۵.۵	برابری	جمعیت ۱۳۹۰
-۵.۷	-۱۶۳.۲	۳۹.۴	-۸۴.۵	.۰۴	۵۹.۱	-۲.۱			نابرابری واریانس‌ها	
-۴.۰	-۵۷.۹	۱۳.۷	-۳۱.۰	.۰۲	۷۹۵	-۲.۲	.۷۸	.۰۷۳	برابری	رشد ۸۵-۷۵
۸.۳	-۷۰.۳	۱۹.۶	-۳۱.۰	.۱۲	۵۷.۵	-۱.۶			نابرابری واریانس‌ها	
۹.۹	-۱۵.۶	۶.۵	-۲.۸	.۶۷	۵۷۲	-.۴	.۰۰	۱۲.۹	برابری	رشد ۹۰-۸۵
۲۲.۳	-۲۸.۰	۱۲.۵	-۲.۸	.۸	۵۳.۸	-.۲			نابرابری واریانس‌ها	

د) بررسی میزان ارتباط تغییرات اندازه‌ی جمعیتی روستایی در

نواحی محروم بر اساس بود یا نبود امامزاده

هدف از بررسی این موضوع سنجش میزان ارتباط اندازه‌ی جمعیتی روستاهای محروم درباره‌ی وجود یا نبود امامزاده است. به عبارتی آیا ارتباطی بین وجود امامزاده با اندازه‌ی جمعیتی روستا (خالی از سکنه، روستای کوچک، متوسط و بزرگ) وجود دارد یا خیر؟ بدین منظور با توجه به مقیاس داده‌ها (اسمی دو وجهی شامل روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده و ترتیبی شامل اندازه جمعیتی

روستاها) از آزمون کای اسکوئر پیرسون و ضریب همبستگی وی کرامر استفاده شده است. نتایج آن در جدول زیر مشخص شده است.

جدول ۲- سطح معناداری و شدت ارتباط اندازه‌ی جمعیتی روستاها با بود یا نبود امامزاده بر اساس ضرایب کای اسکوئر پیرسون و وی کرامر

نوع آزمون	ارزش	درجه آزادی	سطح معناداری
آزمون کای اسکوئر	۹/۹۶۸ ^a	۳	۰/۰۱۹
اندازه‌گیری متقارن اسمی با آزمون وی کرامر اسمی	۰/۱۶۷		۰/۰۰۰
تعداد فراوانی	۷۸۴		

نتایج تحلیلی برآمده از جدول بالا بیانگر آن است که:

- با توجه به سطح معناداری مقدار کای اسکوئر پیرسون در سطح خطای کوچک‌تر از ۰/۰۵ می‌توان گفت اختلاف معناداری بین فراوانی مشاهده شده و فراوانی‌های مورد انتظار وجود دارد. به عبارتی فراوانی‌ها اختلاف معناداری با یکدیگر دارند. بنابراین در روستاهای مورد مطالعه بین وجود امامزاده با اندازه‌ی جمعیتی آن رابطه وجود دارد.
- با توجه به معناداری ضریب کای اسکوئر پیرسون، ضریب وی کرامر شدت این رابطه را برابر ۰/۱۶۷ و معنادار در سطح کم‌تر از ۰/۰۱ نشان می‌دهد. بر اساس آن می‌توان گفت ارتباط معناداری بین روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده با اندازه جمعیتی آن‌ها وجود دارد.

نتیجه‌گیری

در سال‌های اخیر نقاط روستایی در استان خراسان رضوی همواره با افول جمعیت مواجه بوده است. هرچند نقش مذهب در استقرار سکونت‌گاه‌های انسانی، چارچوب برخی از نظریه‌ها را درباره استقرار و یکجانشینی جمعیت تبیین می‌کند، در شرایط فعلی با توجه به توسعه‌ی فناوری و توجه به عوامل اقتصادی، نقش کم‌تری برای این عامل در نظر گرفته شده است. با توجه به این موضوع، در این مطالعه سعی شد تا از دریچه‌ی دیگری به نقش مذهب در استقرار جمعیت نگریسته شود.

آنچه موجبات انجام این مطالعه را فراهم می‌کند در واقع دو موضوع اساسی و قابل توجه در نقاط روستایی استان خراسان رضوی است. اول این‌که نقاط روستایی استان در سال‌های اخیر همواره با کاهش جمعیت مواجه بوده است. عامل دوم، وجود ۳۹۰ بقعه‌ی امامزاده در نقاط روستایی است؛ بقاعی که در گذشته‌های دور در کنار سایر عوامل طبیعی و محیطی، محملی برای اسکان جمعیت روستایی استان به شمار می‌رفته‌اند. از این‌رو این فرض مهم می‌تواند مد نظر قرار گیرد که توجه به بقاع متبرکه

به عنوان یک عامل قوت می‌تواند نقش مهمی در تعدیل تغییرات جمعیت روستایی ایفا کند و بستری برای توسعه‌ی محلی در نظر گرفته شود.

در این چارچوب در این مطالعه با تنظیم این فرضیه که در نواحی محروم استان، ویژگی‌های جمعیتی روستاهای دارای امامزاده تفاوت معناداری را با سایر روستاها نشان می‌دهند، از منظر دیگری به نقش مذهب در استقرار و ثبات جمعیت در سکونت‌گاه‌های انسانی در نواحی محروم پرداخته شد. محدود کردن این مطالعه به نواحی روستایی محروم استان، افزایش دقت در مطالعه، به دلیل وجود تفاوت‌های گوناگون بین محیط‌های روستایی استان و انتخاب گروهی همگن و یکدست از نظر شرایط موقعیتی و خدماتی بود تا در این چارچوب نقش عوامل تأثیرگذار به حداقل رسیده و عامل متمایزکننده‌ی روستاها تنها وجود یا نبود امامزاده باشد. از آنجایی که در نواحی محروم استان بیش‌ترین تغییرات جمعیتی در نقاط روستایی مشاهده می‌شود، بنابراین موضوع مورد مطالعه، روستاهای محروم استان خراسان رضوی در نظر گرفته شد.

بدین منظور ضمن تدوین مدل مفهومی تحقیق برای شناسایی روستاهای محروم استان و انتخاب آن از طریق شاخص‌های مرتبط با موقعیت روستا و میزان بهره‌مندی نقاط از خدمات و امکانات (شامل یازده شاخص) و محاسبه‌ی آن از طریق روش‌های تصمیم‌گیری چند معیاره با ترکیب سیستم اطلاعات جغرافیایی، ضریب محرومیت برای هر نقطه‌ی روستایی تعیین شد. در ادامه ضمن بهره‌گیری از مدل‌های خوشه‌بندی، به‌ویژه مدل خوشه‌بندی دومرحله‌ای، روستاهای استان بر اساس شاخص میزان محرومیت دسته‌بندی و موقعیت هر یک روی نقشه مشخص شد. بر این اساس ۷۸۴ نقطه‌ی روستایی استان به عنوان نقاط با درجه محرومیت بالا انتخاب شد که در این میان، ۵۴ روستا دارای امامزاده و باقی روستاها بدون امامزاده هستند.

بررسی‌های اولیه نشان داد که روستاهای دارای امامزاده از نظر اندازه‌ی جمعیتی روستا و میزان جمعیت هر طبقه، تفاوت‌هایی با سایر روستاها دارند. همچنین این مطالعه نشان داد که روستاهای دارای امامزاده در نواحی محروم با ۶/۹ درصد روستاها به میزان ۱۰/۵ درصد جمعیت روستایی را در خود جای داده‌اند. از سوی دیگر این روستاها ۳/۳ درصد روستاهای خالی از سکنه و ۱۸/۲ درصد روستاهای بزرگ (با جمعیت بیش‌تر از هزار نفر) را در نواحی محروم استان شامل می‌شوند. همچنین مقایسه‌ی شاخص میانگین جمعیت نشان داده است که این شاخص در روستاهای دارای امامزاده در سال ۱۳۹۰ برابر ۲۲۹ و برای سایر روستاها نیز معادل ۱۴۴ نفر است. استفاده از آزمون t با دو نمونه‌ی مستقل نشان داد که تفاوت معناداری میان میانگین جمعیت روستاهای دارای امامزاده و بدون امامزاده در سال‌های ۱۳۷۵ تا ۱۳۹۰ و نرخ رشد جمعیت در سال‌های ۱۳۸۵-۱۳۹۰ وجود دارد. همچنین نتایج بهره‌گیری از آزمون کای اسکوئر پیرسون و ضریب همبستگی وی‌کرامر درباره‌ی ارتباط اندازه‌ی

جمعیتی روستاها با داشتن یا نداشتن امامزاده، رابطه و همبستگی معناداری دارد. ضریب وی کرامر، شدت این همبستگی را معادل ۶۷ درصد نشان داد که در سطح کم‌تر از یک درصد معنادار است. در مجموع می‌توان گفت نتایج به دست آمده با توجه به شباهت روستاها از نظر شاخص محرومیت، مبین تفاوت در اندازه‌ی جمعیتی آن‌ها بر اساس وجود یا نبود امامزاده است. این مطالعه نشان داد که علاوه بر وجود شرایط و امکانات خدماتی در نقاط روستایی، عامل مذهبی نیز در نگهداشت و جذب جمعیت مؤثر است که به نوعی فرضیه تحقیق را تأیید می‌کند.

مجموع این شرایط ما را به این نکته رهنمون می‌سازد که در نواحی روستایی به‌ویژه در نواحی محروم، روستاهای دارای امامزاده در صورت تجهیز و تقویت می‌توانند نقش مهمی در نگهداشت و ثبات جمعیت ایفا کرده، بستر توسعه‌ی محلی محیط را فراهم سازند. از این رو پیشنهاد می‌شود تا روستاهای دارای امامزاده به عنوان مراکز توسعه‌ی محلی در مناطق روستایی مدنظر قرار گیرند تا در نتیجه‌ی آن، توسعه‌ی نواحی پیرامونی نیز محقق گردد.

منابع

- ۱- اکبری، نعمت‌اله. ۱۳۸۷. کاربرد روش‌های رتبه‌بندی و تصمیم‌گیری چند شاخصه. تهران، انتشارات سازمان شهرداری‌ها و دهیاری کشور.
- ۲- پاپلی یزدی، محمد حسین و حسین رجبی سناجردی. ۱۳۸۲. نظریه‌های شهر و پیرامون. تهران، انتشارات سمت.
- ۳- پورطاهری، مهدی و دیگران. ۱۳۹۲. برنامه‌ریزی راهبردی توسعه گردشگری مذهبی در مناطق روستایی (مطالعه‌ی موردی: روستاهای دارای مکان‌های مذهبی اورامان تخت، نجار و هجیج)، برنامه‌ریزی و آمایش فضا (مدرس علوم انسانی) ۱۷ (پیاپی ۷۷)، صفحات ۴۳-۶۴.
- ۴- حبیب پور، کرم. ۱۳۸۸. راهنمای جامع کاربرد SPSS در تحقیقات پیمایشی. تهران، نشر لویه.
- ۵- حیدری چیانه، رحیم. ۱۳۸۷. مبانی برنامه‌ریزی صنعت گردشگری. تهران، انتشارات سمت.
- ۶- رضوانی، محمدرضا. ۱۳۸۷. توسعه گردشگری روستایی. تهران، انتشارات دانشگاه تهران.
- ۷- زرگر، اکبر. ۱۳۷۸. معماری روستایی در ایران. تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۸- سعیدی، عباس و همکاران. ۱۳۹۱. گردشگری روستایی: الزامات و محدودیت‌ها با اشاره به نواحی جواهرده (مازندران) و سرو آباد (کردستان)، جغرافیا (فصل‌نامه علمی- پژوهشی انجمن جغرافیای ایران)، شماره ۳، صفحات ۵-۱۷.
- ۹- سلطان زاده، حسین. ۱۳۶۲. تاریخ شهر و شهرنشینی در ایران. تهران، انتشارات امیر کبیر.
- ۱۰- شربتیان، محمد حسن. ۱۳۹۰. تأملی کارکردی بر نقش توسعه‌ی پایدار گردشگری دینی در جامعه ایران.
- ۱۱- شکویی، حسین. ۱۳۸۷. دیدگاه‌های نو در جغرافیای شهری. تهران، انتشارات سمت.

- ۱۲- عظیمی هاشمی، مژگان و رضا رضوانی. ۱۳۹۱. تأملی بر مفاهیم زیارت و گردشگری دینی، بررسی وجوه تشابه و تمایز. مجموعه مقالات نقش زیارت در توسعه گردشگری دینی، دبیرخانه‌ی طرح مطالعه‌ی توسعه-ی کمی و کیفی زیارت امام رضا (ع)، مشهد، آوند رشد.
- ۱۳- فراهانی، حسین و دیگران. ۱۳۹۰. تحلیلی بر گردشگری مذهبی و تأثیر آن بر توسعه روستایی، گردشگری در هزاره‌ی سوم.
- ۱۴- کلاتری، خلیل. ۱۳۸۲. پردازش و تحلیل داده‌ها در تحقیقات اجتماعی اقتصادی. تهران، انتشارات شریف.
- ۱۵- محلاتی، صلاح‌الدین. ۱۳۹۰. درآمدی بر جهانگردی. تهران، انتشارات دانشگاه شهید بهشتی.
- ۱۶- محمدی، حمیدرضا و دیگران. ۱۳۸۷. نقش گردشگری زیارتی در توسعه اجتماعی- اقتصادی سکونت‌گاه‌های زیارتی روستایی، رشد آموزش جغرافیا ۲، شماره بیست و سوم، صفحات ۳۱-۳۷.
- ۱۷- مرکز آمار ایران. ۱۳۹۰. سرشماری عمومی نفوس و مسکن. تهران.
- ۱۸- منشی‌زاده، رحمت‌اله. ۱۳۸۰. گردشگری روستایی. تهران.
- ۱۹- منصور، علیرضا. ۱۳۸۳. نقش گردشگری در برنامه‌ریزی شهری شیراز. پایان‌نامه‌ی دکتری جغرافیا و برنامه‌ریزی شهری، دانشگاه اصفهان.
- ۲۰- مؤمنی، مصطفی و دیگران. ۱۳۷۸. ساختار و کارکرد گردشگری مذهبی و فرهنگی و ضرورت مدیریت یکپارچه در کلان‌شهر مشهد، مجله جغرافیا و توسعه، سال ششم، شماره پیاپی ۱۱، صفحات ۱۳-۳۸.
- ۲۱- ولاتی، محمد و دیگران. ۱۳۹۲. نقش گردشگری مذهبی در توسعه روستایی با تأکید بر کیفیت زندگی و سرمایه‌ی اجتماعی (مطالعه موردی: روستای قیچاق شهرستان میاندوآب)، نشریه‌ی تحقیقات کاربردی علوم جغرافیایی، سال سیزدهم، شماره ۳۰.
- 22-Barber, R. 1993. *Pilgrimages*. London: The Boy dell Press.
- 23-Holjevac, Ivank Avelini 2003. "A vision of tourism and the hotel industry in the 21st century". *International Journal of Hospitality Management*. 22:129-134.
- 24-Icep 2010. "Religious Tourism". *Tourism Sources Markets* 12: 3-33.
- 25-Kara, A "Impact of Pilgrim Tourism at Haridwar". *Anthropologist*. 12(2): 99-105.
- 26-Kreiner, N. "Researching Pilgrimage Continuity and Transformations". *Annals of Tourism Researc*.
- 27-Liu, A. 2006. "Tourism in rural areas: Kedah, Malaysia ". *Tourism Management*. 27: 878-889.
- 28-Perales, R.M.Y. 2002. "Rural Tourism In Spain". *Annals of Tourism Research*. 29:1100-1110.
- 29-Stevens, S. 1998. "Sacred and Profaned ". *Himalayas Natural History*. 1(97): 26-35.